

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۹۴ - ۲۷۷

رفتار اخلاق‌گريزانه در تعصب جاهلی و راهکارهای تربیتی قرآن کریم در مقابله با آن

علی احمد ناصح^۱

رضا نجفی^۲

چکیده

مبنای تربیتی قرآن کریم بر اصلاح مناسبات رفتاری و اخلاقی مردمان عصر نزول بوده است. «عصبیت» و «تعصب‌گرایی» از بارزترین خصوصیات رفتاری عرب پیش از اسلام بوده است که با شکل‌های مختلف در لابلای آیات قرآن کریم منعکس شده است. طرح موضوعاتی مانند جهالت، خشونت، مرده‌پرستی، قبیله‌گرایی، تکاثر و تفاخر به اموال و اولاد نشان می‌دهد که قرآن با حساسیت، تمامی ابعاد بحث را به چالش کشیده و با روش‌های مختلف به دنبال رفع آنهاست. نكوهش مخاطبین خطاکار، نقل آسیب‌های رفتاری در اقوام و ادیان گذشته و همچنین تبیین و تشریح موضع‌گیری مسلمانان در قبال دیگر ادیان، منطق علمی قرآن در تربیت مردمان عصر نزول را تشکیل می‌دهد. قرآن کریم در مبنای تربیتی خود با ارائه راهکارهایی اندیشمندانه به انسان کمک می‌کند تا از ردائیل عبور کرده، به فضائل منتسب گردد. پذیرش مطلق حاکمیت ربّانی، نفی حاکمیت قوم‌گرایی، تبعیت از رسول خدا، تکیه بر فضائل فردی، نفی دنیاپرستی و تفاخر جاهلی، ردّ خودخواهی و کبر‌گرایی، تأکید بر حلم و بردباری از مؤلفه‌های تربیتی قرآن کریم در خصوص موضوع نهی از تعصب جاهلی است.

واژگان کلیدی

رفتار، اخلاق‌گریزی، تعصب جاهلی، راهکارهای تربیتی، قرآن کریم.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

Email: aliahmadnaseh@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه خلیج فارس.

Email: najafi9487@gmail.com

پذیرش نهایی: ۹۷/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۷

طرح مسأله

پافشاری و لجاجت اعراب پیش از اسلام بر سنت‌ها و رسوم جاهلی و عدم تمایل آنان نسبت به تغییر مناسبات رفتار فردی و اجتماعی از مهم‌ترین معضلات اخلاقی آن قوم گزارش شده است. (خلیل حتی، ۱۳۶۶، ص ۳۸) قرآن کریم با تفکر آنان به مقابله پرداخته و مجدانه آن را نفی می‌نماید. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۹۷) دو فرضیه مهم در بررسی موضوع جلب توجه می‌کند: نخست اینکه رفتار اعراب پیش از اسلام آکنده از تعصبات جاهلانه بوده است. دوم اینکه قرآن کریم موجب تغییر رفتار متعصبانه‌ی عرب جاهلی شده است. مقابله‌ی قرآن با تفکر متعصبانه به دلیل وجود مبانی اخلاق در آیین مقدس اسلام است؛ چرا که قرآن کریم، ریشه‌ی تمامی ردائل اخلاقی و منشأ شقاوت بشر را در لجاجت و عصبیت او می‌داند. به شهادت قرآن کریم، تعصب‌گرایی در پرستش نیز مصداق یافته است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانُوا آبَائُهُمْ لَمْ يَغْفِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره / ۱۷۰) جاهلان لجوج، متأثر از منش متعصبانه بر ادامه راه پدرانشان اصرار دارند حال آنکه آنان اهل اندیشه‌ورزی و هدایت‌طلبی نبودند. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۹۳) در دیگر موارد نیز همین شیوه‌ی متعصبانه قابل مشاهده می‌باشد؛ چنانکه اعراب، دخترانشان را به دلیل حمیت، زنده به گور می‌کردند تا به دست قبایل مهاجم اسیر نشوند. (علی، ۱۹۷۲، ج ۵، ص ۱۸۶) از این قبیل تعصبات جاهلانه در فرهنگ عرب قبل از اسلام به فراوانی گزارش شده است. از این رو جامعه جاهلی آن روز فاقد رفتار اخلاق‌محور بوده و همچنین از تربیت انسانی بهره‌ای نداشته است. بدیهی است که با نزول آیات الهی و شکل‌گیری جامعه دینی، چالشی اساسی با فرهنگ اخلاقی ستیز آن روز ایجاد گردد. لذا شیوه‌شناسی قرآن کریم در برخورد با معضلات تربیتی و اخلاقی حائز اهمیت است؛ چرا که همان شیوه‌ها امروزه نیز به خوبی قابلیت مقابله با عصبیت در جوامع مدرن را داراست.

تحلیل و بررسی روش تربیتی قرآن کریم در مقابله با اخلاق مذموم «تعصب» و «تعصب‌گرایی» به مطالعه ریشه‌های لغوی آن نیازمند است. تعصب به معنای «وابستگی، جانب‌داری و حمایت» است که انسان متعصب را از فهم مسیر و مجرای حق و فضیلت آن بر باطل، باز می‌دارد. عصبیت و وابستگی در طول تاریخ، بشریت را با معضلات جدی و بی‌شماری مواجه نموده و در واپس‌گرایی تربیتی و اخلاقی نسل‌ها نقش به‌سزایی داشته است. مسدود نمودن راه هدایت‌گری انبیاء الهی، جنگ‌های طولانی و خونین، تبعیت از ظالمین، سرکوب مظلومان، پافشاری بر عبودیت کفر و طواغیت و بسیاری از مشکلات دیگر محصول تعصب و وابستگی‌های نامعقول و جاهلانه بشر بوده است. این واژه از ریشه‌ی لغوی «عَصَب» به معنای رشته‌هایی است که مفاصل استخوان‌ها و عضلات را به هم پیوند می‌دهند. سپس این ماده به

معنای هر نوع وابستگی شدید فکری و عملی درآمده که به شکلی نامعقول، گاه احساسی و غالباً غیرمنطقی و افراطی خود را نشان می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۳) این واژه معمولاً بار معنایی منفی و مذموم یافته است؛ هر چند به معنای وابستگی‌های مثبت نیز هست. ابن منظور در مورد معنای لغوی عصبیت می‌گوید: «إِنْ يَدْعُو الرَّجُلَ إِلَىٰ نَصْرَةِ غُصْبَتِهِ وَالتَّأَلُّبِ مَعَهُمَ عَلَىٰ مَنْ يَنَاطِبُهُمُ الظَّالِمِينَ أَوْ المَظْلُومِينَ» (ابن منظور، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۰۶) واژه معادل عصبیت که در قرآن کریم نیز به کار رفته «حمیت» از ریشه حمی (بر وزن حمد) به معنی حرارتی است که بر اثر عوامل خارجی در بدن انسان یا اشیای دیگر به وجود می‌آید. سپس به حالات روحی همچون خشم و تکبر و تعصب، حمیت اطلاق شده است؛ چرا که این صفات حالتی آتشین در انسان ایجاد می‌کند. قرآن کریم مسلمانان را به یاد ماجرای حدیبیه می‌اندازد که کفار با دیدن آن همه آیات و نشانه‌های حقانیت پیامبر اکرم (ص) به خاطر تعصب‌های جاهلی ایمان نیاورند و این رذیله اخلاقی، آنها را از سعادت بزرگ بازداشت. خداوند با سرزنش جاهلان عرب می‌فرماید: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رُسُولِهِ وَعَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (فتح / ۲۶) در آیه حمیت به جاهلیت اضافه شده است که اشاره‌ای به تعصب‌های برخاسته از جهل و نادانی است. سکینه که نقطه مقابل آن است به خدا نسبت داده شده که آرامشی آگاهانه و برخاسته از ایمان است. استاد مرتضی مطهری با شرح آیه می‌نویسد: «تعصب و تحجر به معنای ایستایی، تحول‌ناپذیری، جمود و برتابیدن فرهنگ و ارزش‌های حق است که هم در ساحت بینش و دانش (تحجر) و هم در حوزه گرایش و رفتار (جمود) بروز و ظهور دارد و عقل و دل و ابزارهای معرفت‌یاب و منابع شناخت‌زا را نیز شامل می‌گردد.» (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۱۱۰) لذا اساس تربیت دینی، عبودیت و بندگی خدا و خشیت در برابر حقانیت ربوبی است؛ در مقابل، هرگونه تعصب و لجاجت موجب دوری از حق، فاصله با اخلاق و محروم شدن از سعادت است. تعصب با معنایی که ارائه شد تا جایی پیش می‌رود که انسان با لجاجت، حق را فدای حمایت و جانب‌داری از باطل می‌کند. انسان متعصب با فاصله گرفتن از خردورزی و اخلاق‌مداری، مرزهای انسانیت را در هم شکسته و به مرحله پافشاری بر رسوم و سنت‌های خطا می‌رسد. امیرمؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه در بخشی از خطبه قاصعه با اشاره به عصبیت جاهلی عرب و برخی از عوامل آن می‌فرماید: «شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلیت را که در دل‌های شما پنهان شده است، خاموش سازید؛ زیرا که این تعصب در مسلمانان از القائات و کبر و نخوت و فریب‌ها و وسوسه‌های شیطان است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

تعصب‌گرایی در دوره پیش از اسلام، مردم را دچار لجاجت و جمود فکری نموده بود چنان‌که قرآن کریم آن را نمونه‌ای از بد اخلاقی و هنجارگریزی عرب جاهلی ذکر نموده و بعثت

پیامبر را خاتمه‌ی حاکمیت ردائل و آغازی بر تزکیه، تربیت دینی و فضیلت‌محوری اعلام فرموده است. (آل عمران / ۱۶۴) بازخوانی تاریخ انبیاء بزرگ الهی و مطالعه عوامل انحراف و گمراهی اقوام پیشین به وضوح نشان می‌دهد که تعصب، لجاجت و تقلید کورکورانه نقش اصلی را در کج رفتاری آنها به عهده داشته و در میان تمامی اقوام زشت‌کار پیشین رایج بوده است. نوشتار حاضر با تحقیق در گرایش‌های جاهلانه عرب قبل از اسلام به بررسی ابعاد رفتار متعصبانه آنان پرداخته است. در خصوص تعصب جاهلانه عرب، تحقیقات فراوانی انجام شده که عموماً به جنبه‌های تاریخی بحث اکتفا گردیده است. تاریخ‌نگاران متقدم همچون ابن خلدون، ابن هشام، مسعودی، یعقوبی، بلاذری و دیگران و نیز مورخین و تحلیل‌گران متقدم مانند فیلیپ حتی، احمد امین، جواد علی و دیگران، همگی به نقل و تحلیل تاریخ اعراب و رفتار اخلاق‌گریزانه آنان پرداخته‌اند. همچنین برخی از مستشرقین مانند گوستاو لوبون نیز - مغرضانه یا منصفانه - از تحلیل رفتار متعصبانه اعراب غافل نبوده‌اند. اینان هرگز به راهکارهای کلام الله مجید در نفی تعصب‌گرایی و تأثیرات آن در جامعه عصر نزول اشاره ننموده‌اند. پاره‌ای دیگر از محققان نیز صرفاً به رویکرد نفی‌گرایانه قرآن کریم در مواجهه با تعصب‌گرایی بسنده کرده‌اند؛ اینان - که عمدتاً مفسرین مسلمان هستند - اگر چه به تشریح و تفسیر آیات مرتبط با موضوع پرداخته‌اند اما راهکارهای قرآن در این خصوص را به شکلی مدون ارائه نکرده‌اند. این مقاله با بهره‌گیری از پژوهش‌های انجام شده و با نگاهی نو به موضوع، به مطالعه راهکارهای تربیتی قرآن کریم در تغییر رفتار متعصبانه، پرداخته و شیوه‌ی اخلاق‌گرایانه قرآن کریم را بررسی نموده است. بدین ترتیب دستیابی به روش‌ها و کارکردهای اخلاقی قرآن کریم، زمینه‌ساز به‌کارگیری آنها در تربیت نسل‌ها در تمامی زمان‌ها خواهد بود.

الف) یادکرد نگرش متعصبانه اهل کتاب در مقابله با اسلام

قرآن کریم با ذکر تاریخ و نگرش گذشتگان و با یادکرد اندیشه‌های متعصبانه آنان، مخاطبین خود را نسبت به فرو افتادن در چنین تفکرات ناپسندی هشدار می‌دهد. ردّ نگرش و عملکرد زشت یهودیان و مسیحیان و مقابله‌ی قرآن کریم با پیروان آن دو آیین تحریف شده، اثبات اندیشه تعصب‌ستیزی قرآن کریم است. تصور غلط و نابخردانه یهود و نصاری و تعصب هر یک بر قومیت خود موجب شده بود تا خود را فرزندان خدا و مصون از عذاب و عقاب الهی بدانند! بی‌تردید چنین توهمی ناشی از احساسات نژادپرستانه و قوم‌گرایانه آنان بوده است. اندیشه‌های خودخواهانه یهود و نصاری و گرایش‌های متعصبانه آنان موجب شکاف میان ادیان توحیدی و بروز خصومت و نزاع عمومی شده بود. قرآن کریم ضمن بیان گفتار آنان به ردّ قطعی تفکراتشان پرداخته است: « وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أِحْبَابُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَعْزِزُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ

إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (مائده / ۱۸)

قرآن کریم همچنان به یادکرد گفتار و رفتار متعصبانه اهل کتاب پرداخته و موارد دیگری را متذکر می‌شود. خداوند با اشاره به خودستایی اهل کتاب و بیان سخنان متعصبانه آنان، مسلمانان را نسبت به گرفتار شدن در تعصبات قومی و نژادی هشدار می‌دهد. روایت کلام الله مجید از بیان سخیف یهودیان چنین است: « وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ » (بقره / ۱۱۱) لحن آیه شریفه و مواجهه خداوند با گفتار یهودیان نشان می‌دهد که غرور دینی، نژادپرستی، زیاده‌خواهی و خودشیفتگی از صفات بارز آن قوم بوده که قرآن کریم آن را چیزی جز توهم و آرزوی محال نمی‌پندارد. نقل گفتمان متعصبانه یهود که حاکی از روحیه و رویه خودخواهانه آنان است مسلمانان را با هشدار جدی مواجه می‌کند. این هشدار زمینه‌ساز ممنوعیت ایشان از ردیلت رفتاری تعصب است.

تعصب آیینی یهودیان

یهودیان علاوه بر تعصب نژادی دچار تعصب آیینی نیز هستند. ناگفته پیداست که تحریف دین موسی کلیم الله توسط بنی اسرائیل موجب انحراف پیروان آن آیین شده و در قرون متمادی بر انحرافشان افزوده شده است. پافشاری متعصبانه یهودیان بر آیین یهود به معنای تعهد و تقیدشان به هنجارهای دین نیست؛ بلکه نشان دهنده لجاجت و مقابله با پذیرش حقایق است. قرآن کریم رفتار متعصبانه یهود را چنین روایت فرموده است: « وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاتَّكِرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ * وَ لَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنْ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنْ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ » (آل عمران / ۷۳-۷۲)

آیات مذکور از یکی دیگر از اندیشه‌های متعصبانه و کورکورانه یهود پرده بر می‌دارد و نشان می‌دهد که آنها نه تنها در برابر حقانیت دین مبین اسلام ایستادگی و مقاومت کردند، که تلاش نمودند مسلمانان را نیز از طریق هدایت و راستی منحرف کنند. برخورد خداوند با تعصبات غلط یهود هشدار برای مسلمانان بوده و از روش تربیتی قرآن کریم حکایت می‌نماید. آنان برای متزلزل ساختن ایمان مسلمانان و انحراف آنان از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند. گاه تهاجم نظامی، سیاسی و اقتصادی و گاه هجمه فرهنگی. آیات فوق اشاره به بخشی از تهاجم آنها دارد که به گونه‌ای خاص نسبت به تربیت دینی مسلمانان اتخاذ شده است.

ب) نقل سرگذشت متعصبان در برابر انبیاء الهی

سرگذشت اقوام و ملل گذشته و مقابله آنان با انبیاء زمان خود از دیگر مواردی که موجب تنبیه مسلمانان در خصوص زشتی صفت ناپسند تعصب است. جاهلان هر قوم در برابر انبیاء زمان خود موضع‌گیری نموده و با رد دعوت آنان به مقابله و خصومت می‌پرداختند. تعصب و پافشاری

بر رفتار غلط و صفات نکوهیده رفتاری از سخیف‌ترین شکل‌های دشمنی با انبیاء الهی بوده است. این موضوع در دشمنی آنان با مقوله توحید و وحدانیت الهی و دوری از شرک و بت پرستی کاملاً نمایان بوده است. قرآن کریم با نقل داستان حضرت هود (ع) می‌فرماید: «قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (اعراف / ۷۰) استدلال سخیف کفار در عدم پذیرش آیین اسلام و تعصب بر دین اجدادشان، به شکل‌های مختلف در قرآن کریم نقل شده است. رفتار متعصبانه و کورکورانه اهل کتاب اینگونه انعکاس یافته است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره / ۱۷۰) در این گفتار نیز بار دیگر با تقلید متعصبانه و کورکورانه اهل کتاب مواجهیم که به راحتی دعوت حق را نپذیرفته و متعصبانه بر باطل خود تأکید می‌ورزند. قرآن کریم با همین شیوه به مذمت و سرزنش کفار متعصب پرداخته و از برخورد نابخردانه آنان به زشتی یاد می‌کند. گفتمان قرآن کریم به مخاطب می‌آموزد که چنین رفتاری مورد تأیید نبوده و کاملاً مردود است. آیه بعد، مذمت و سرزنش متعصبان را با تمثیلی زیبا تبیین می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمُّ بَكْمُ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (بقره / ۱۷۱) از سوی دیگر نگرش متعصبانه با نفوذ در رفتار اهل کتاب موجب بروز اختلال در مبانی مناسبات اجتماعی ادیان و مذاهب پیش از اسلام شده بود. قرآن کریم با هشدار در خصوص خطر تفرقه‌گرایی و حزب‌گرایی، مخاطبین خود را با نتایج مخرب رفتار متعصبانه آشنا نموده است. «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (مؤمنون / ۵۳) تمایل هر گروه و مذهب نسبت به معتقدات خود و پافشاری بر دیدگاهشان، اجتماع را با خطر فرقه‌گرایی و تفرقه مواجه می‌نماید. قرآن کریم در برابر نابسامانی عصر نزول سکوت ننموده و با جدیت با عوامل ضعف فرهنگ زمانه به مقابله می‌پردازد. چنین رقابت متعصبانه و ننگ‌آوری به خصوص میان پیروان دو دین یهودیت و مسیحیت گزارش شده و همواره منشأ بروز اختلاف و تفرقه بوده است. قرآن رفتار ناپسند آن دو قوم را تشریح نموده و به عنوان نمونه‌ای از ناهنجاری تربیتی در عصر نزول به آن اشاره می‌نماید. (بقره / ۱۱۳) رویگردانی از رفتار خودخواهانه و کورکورانه اهل کتاب، بخشی از فرآیند تربیت‌پذیری قرآنی است که بر مبنای آن، مخاطب علاوه بر آشنایی با دیدگاه کلام الله مجید، رفته‌رفته به ممنوعیت تعصب‌گرایی نیز نزدیک می‌شود. نظام تربیتی دغدغه‌مند قرآن کریم، مخاطب را به گونه‌ای با خود همراه می‌کند که در نهایت به درک ارزش‌های اخلاقی و بی‌اعتباری ضد ارزش‌ها منجر می‌گردد.

ج) اعتراض قرآن به تعصبات جاهلی اعراب

بخش دیگری از فرآیند تربیت‌پذیری قرآنی در موضوع نهی از عصبیت جاهلی، به منش اعراب پیش از اسلام و بت‌پرستان برمی‌گردد. تأثیرگذاری قرآن کریم بر رفتار مردمان عصر نزول

با ارائه نمونه‌های فراوانی از بد رفتاری‌هایی است که تا آن زمان، ساکنان جزیره‌العرب را در خود فرو برده بود. اعتراض صریح قرآن به عصبیت و حمیت اعراب حاکی از پلیدی روش و منش آنها بوده است. اعراب جاهلی، به خصوص مترفین و سران مشرکین با پیوستن به جریان فکری آباء و اجداد خود، در برابر اندیشه‌های قرآن کریم و حقانیت دین اسلام ایستادگی کرده و به رسول خدا پشت نمودند. آیات متعددی با ذکر نافرمانی و عصیان آنان، نسبت به زشتی عملکردشان هشدار می‌دهد. مشرکان و جاهلان عرب با اینکه در جریان صلح حدیبیه آیات و نشانه‌های حقانیت رسول خدا (ص) را دیدند و متوجه شدند، ولی به خاطر تعصب کور جاهلی ایمان نیاوردند. قرآن به این جریان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (فتح / ۲۶).

راغب در مفردات می‌نویسد: عرب از نیروی غضب وقتی فوران کند و شدت یابد تعبیر به "حمیت" می‌کند، می‌گوید: «حمیت علی فلان» یعنی علیه فلانی سخت خشم کردم. (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۷) حمیت از ماده حَمَى (بر وزن حَمَد) به معنی حرارتی است که بر اثر عوامل خارجی در بدن انسان یا اشیای دیگر به وجود می‌آید. سپس به حالات روحی همچون خشم و تکبر و تعصب، حمیت گفته شده است؛ چرا که همه اینها حالتی آتشین در انسان ایجاد می‌کند. جالب اینکه در آیه فوق حمیت به جاهلیت اضافه شده که بیانگر تعصب‌های برخاسته از جهل و نادانی است و سکینه که نقطه مقابل آن است، به خدا نسبت داده شده و به معنی آرامشی است آگاهانه و برخاسته از ایمان. صاحب تفسیر الطیب البیان می‌نویسد: «فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ هَمَانٌ عصبیت آباء و اجدادی حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ مثل دوره جاهلیت و مثل دوره حاضر.» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۲۱۶) قرآن کریم به این واقعیت تلخ اشاره نموده است: «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف / ۲۳)

د) شیوه تربیتی قرآن کریم در ممنوعیت عصبیت جاهلی

یادکرد نابسامانی رفتار اقوام گذشته و همچنین مردمان عصر نزول شرایط را جهت تبیین بیشتر فضائل و ممنوعیت ردائل مهیا می‌نماید. قرآن کریم با شیوه تربیتی خود به دنبال تأثیرگذاری مطلوب و تغییر در گرایش‌ها و نگرش‌های مخاطبین خود است. از این رو در کنار ذکر زشتی‌های تعصب‌گرایی، از ابعاد مختلف به بیان زیبایی‌های مکارم اخلاق می‌پردازد. نتیجه عملی شیوه تربیتی قرآن کریم، از یک سو حذف ردیلتی چون عصبیت و حمیت جاهلی و از دیگر سوی برقراری اخلاقیات و تربیت دینی است. در ادامه به برخی از مکارم اخلاق که به تربیت فردی مخاطبین قرآن کریم کمک نموده اشاره می‌نماییم.

۱- پذیرش مطلق حاکمیت ربانی

قرآن کریم با تشخیص صحیح و بجای آسیب و همچنین با شناخت کامل انگیزه‌های تعصب‌گرایی، نخستین راه حل عبور از عصبیت و لجاجت را در پذیرش مطلق حاکمیت ربّانی و نبوی بیان فرموده است. بی‌تردید مهم‌ترین عامل پافشاری و لجاجت بر مواضع باطل و مقابله با حقانیت دعوت انبیاء، دوری از اطاعت‌پذیری دینی است. همچنان‌که بررسی شد اقوام مختلف با ایجاد تقابل با پیامبران الهی و عدم پذیرش دعوت آنان وارد مراحل از رذائل رفتاری شدند که در فرهنگ قرآن کریم با عنوان عصبیت، حمیت جاهلی و لجاجت نامبردار شده است. این معضل در جای خود مؤثرترین عامل بد اخلاقی و سوء رفتار در دوره‌های مختلف تلقی می‌شود. در عصر نبی مکرم اسلام نیز همین جریان موجب بروز انواع هنجارگریزی‌ها و نیز مخالفت‌ها با آن حضرت بوده است. بر این اساس قرآن کریم با توصیه به اهل ایمان، ولایت‌پذیری خدا و رسولش را عامل رفع و دفع تعصبات و لجاجت‌های جاهلی معرفی نموده و چنین می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب / ۳۶) آیه با نکوهش خودمختاری و ردّ پافشاری بر تعصبات، نسبت به ضرورت پذیرش فرمان الهی تأکید می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۹۳ ج ۱۶، ص ۴۸۰)

۲- نفی حاکمیت قوم‌گرایی

نظام قبیله‌ای مردم عصر نزول را به سمت قومیت‌گرایی و نژادپرستی کشانده بود. قرآن کریم با نفی نگرش مذموم موجود به تشریح نظام فکری اسلام پرداخته و گرایش‌های قومی را منسوخ اعلام نمود. « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ » (حجرات / ۱۳) علی بن ابراهیم قمی پیام آیه را در عبارتی کوتاه، نفی تعصب جاهلی و افتخارات کاذب اعراب دانسته است. (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۲) تقوا و خویش‌داری، تنها معیار برتری و فضیلت است. مرحوم علامه طباطبایی نیز با شرح آیه می‌نویسد: « این فطرت و جبلت در هر انسانی است که به دنبال کمالی می‌گردد که با داشتن آن از دیگران ممتاز شود، و در بین اقران خود دارای شرافت و کرامتی خاص گردد. و از آنجایی که عامه مردم دل‌بستگی‌شان به زندگی مادی دنیا است قهراً این امتیاز و کرامت را در همان مزایای زندگی دنیا، یعنی در مال و جمال و حسب و نسب و امثال آن جستجو می‌کنند، و همه تلاش و توان خود را در طلب و به دست آوردن آن به کار می‌گیرند، تا با آن به دیگران فخر بفروشند، و بلندی و سروری کسب کنند. در حالی که این گونه مزایا، مزیت‌های موهوم و خالی از حقیقت است و ذره‌ای از شرف و کرامت به آنان نمی‌دهد و او را تا مرحله شقاوت و هلاکت ساقط می‌کند. آن مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می‌برد، و

به سعادت حقیقی که همان زندگی طیبه و ابدی در جوار رحمت پروردگار است می‌رساند، عبارت است از تقوی و پروای از خدا. آری، تنها و تنها وسیله برای رسیدن به سعادت آخرت همان تقوی است که به طفیل سعادت آخرت سعادت دنیا را هم تأمین می‌کند. « (طباطبایی، ۱۳۹۵، ج ۱۸، ص ۴۹۰)

با نزول این آیه دو هدف مهم تحقق یافته است: هدف اول نفی کامل اندیشه‌های خودخواهانه و کورکورانه جاهلی؛ و هدف دوم تبیین نگرشی نو در ارزش‌گذاری و تعیین جایگاه هر یک از اعضاء جامعه. هدف نخست عبارت از معضل رفتاری و تربیتی نهادینه شده در عصر نزول بوده که تمامی مناسبات فردی و اجتماعی از آن متأثر شدند. تأکید قبایل عرب و اصرارشان بر تمایز نژادی و قبیله‌ای، محصول همین نگرش بوده است. علاوه بر آن اعراب خود را نسبت به سایر قومیت‌ها و ملل آن روز نیز برتر می‌دانستند. احساس خود برتر بینی قوم عرب نسبت به عجم از تعصب و حمیت جاهلی آنان ناشی بوده است. هدف دوم از طرح موضوع آیه مربوط به ایجاد بستری جدید در فضای فکری مخاطبین قرآن کریم است. وابستگی‌های قومی و نژادی در نگاه دینی و نگرش تربیتی قرآن کریم حذف شده و از آن پس هیچ‌کس بر دیگری برتری و فضیلت فردی، قبیله‌ای یا نژادی ندارد. معیار ارزش‌گذاری نیز تغییر یافته و مؤلفه جدیدی چون تقوا جایگزین تمامی توهّمات و خودخواهی‌ها می‌شود. قعر ردائل اخلاقی عصر نزول را می‌توان در صفاتی مانند تعصب جستجو نموده و اوج فضائل را در عدالت‌محوری انسانی و تقواگرایی دینی ملاحظه نماییم. تأثیرات تربیتی قرآن بر رفتار مردمان عصر نزول و تغییر مؤلفه‌های رفتاری ایشان در آیات مدنی با شکل‌گیری حاکمیت دینی توسط پیامبر اکرم (ص) و همچنین ایجاد مدنیت اسلامی، از شتاب بیشتری برخوردار گردید.

۳- تبعیت از رسول خدا (ص)

با شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه‌الرسول، آیات متعددی در اهمیت و ضرورت رهبری واحد حاکمیت دینی بر پیامبر (ص) نازل گردید. مسلمانان با دستور خداوند به تبعیت از رسول اکرم (ص) ملزم شده و آن حضرت را بر خود ترجیح دادند. (احزاب / ۶) آنان باید نظرات و تصمیمات رسول خدا را پذیرفته و اراده ایشان را بر خواست خود برتری می‌دادند. مراد این است که پیامبر اسلام در جان و مال امت، حق تصرف بیشتری از خود مؤمنان دارد. تبعیت از رسول خدا به معنای پایان همه تعصبات قومی و قبیله‌ای و نژادی است. علامه طبرسی با بررسی برخی از مصادیق تاریخی می‌نویسد: « اولویت پیامبر بر مؤمنان، در مسایل حکومتی و فردی و تمام امور است. النَّبِيُّ أَوْلَىٰ چنانکه در آیه ۳۶ همین سوره می‌خوانیم: برای هیچ زن و مرد با ایمانی در برابر قضاوت پیامبر حق انتخاب و اختیاری نیست. « مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ » در روایات بسیاری آمده است: پیامبر اکرم (ص) این اولویت را برای

امامان معصوم علیهم السلام نیز قائل بودند. در حدیث می‌خوانیم: رسول خدا فرمود: «والذی نفسی بیده لا یؤمن احدکم حتی اکون احبَّ الیه من نفسه و ماله و ولده و الناس اجمعین» سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، ایمان هیچ یک از شما کامل نیست، مگر این که مرا از جان و مال و فرزند و از همه‌ی مردم بیشتر دوست داشته باشد. (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۳۰) اطاعت‌پذیری و ولایت‌پذیری از پیامبر نقطه مقابل تعصب و حمیت بود و مسلمانان ناگزیر بر تبعیت از آن حضرت بودند؛ حتی در مواردی که حکم ایشان بر خلاف نظر آنان باشد. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ یُحَكِّمُوكَ فِیْمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لَا یَجِدُوا فِیْ اَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلِیْمًا» (نساء / ۶۵)

علامه طباطبایی با گسترش معنای آیه، موضوع اطاعت‌پذیری از رسول خدا (ص) را شامل همه جنبه‌ها و شؤون می‌داند. ایشان در تفسیر آیه می‌نویسد: «[آیه] شامل قضای رسول خدا (ص) یعنی داوری آن جناب و حتی همه روش‌هایی که آن جناب در زندگی سیره خود قرار داده می‌شود و مسلمانان (اگر ایمانشان مستعار و سطحی نباشد)، باید اعمال آن جناب را سیره خود قرار دهند، هر چند که خوشایندشان نباشد. پس هر چیزی که به نحوی از انحاء و به وجهی از وجوه انتسابی به خدا و رسول او (ص) داشته باشد، چنین مؤمنی نمی‌تواند آن را رد کند، و یا به آن اعتراض نماید و یا از آن اظهار خستگی کند و یا به وجهی از وجوه از آن بدش آید.» (طباطبایی، همان، ج ۴، ص ۶۴۸) قرآن کریم با اصرار بر پرورش استعدادهای فردی اعضاء جامعه و با تکیه بر مبانی تربیت توحید، فرصت هرگونه لجاجت و خودخواهی را از بین می‌برد. بدین ترتیب با نزول و تبیین اندیشه‌های تربیتی قرآن کریم در میان مخاطبین عصر نزول دیگر جایی برای خودرأیی و استبداد نظر باقی نمی‌ماند و هیچ کس اجازه ندارد تا متعصبانه بر دیدگاه خود و قبیله‌اش پافشاری نماید؛ چرا که قرآن کریم بر نفی تعصب و حمیت جاهلی تأکید نموده بود. آیات متعدد و فراوانی نسبت به این مهم تذکر داده و مسلمانان را به اهمیت رهایی از جهل تعصب راهنمایی نمودند. این آیات، اطاعت از پیامبر را اطاعت از خداوند بر شمرده و مخاطبین قرآن را به شناخت جایگاه نبوت فراخواندند. (نساء / ۵۹)

۴- تکیه بر فضائل فردی به جای تعصبات و افتخارات قبیله‌ای

عالی‌ترین جلوه‌های تربیت قرآنی را می‌توان در شیوه‌های پرورش فردی آن جستجو نمود. خط بطلان بر تفاخر و تعصب بر مفاخر مادی و قبیله‌ای از یک سو، و تکیه بر فضائل اخلاق فردی از سوی دیگر شیوه‌ای است که قرآن کریم برای تأثیرگذاری بر فرهنگ منحط عصر نزول برگزیده است. نفی افتخارات جاهلی و به سخره گرفتن اندیشه‌های متحجرانه عرب، پیامی گویا را در پی دارد. قرآن کریم هرگونه پافشاری و لجاجت بر افکار قوم گرایانه و متعصبانه را به شدت ردّ نموده و با آن به مبارزه برخاسته است. سوره مبارکه تکوین به نفی نگرش جاهلانه اعراب

پرداخته است. خوی جاهلانه و متعصبانه عرب پیش از اسلام، آنان را به تفاخر اموال و اموات کشانده بود. واپس‌گرایی قوم عرب تا بدانجا پیش رفته بود که مردمان آن روزگار نه تنها نسبت به کیش، آیین و رسوم آباء و اجدادشان متعصب بودند، که به نمادهای تاریخی و سنتی آنان نیز افتخار نموده و به تغییر آنها تن نمی‌دادند! قرآن کریم با طرح این موضوع و مقابلہ با آن به مخاطبین خود آموخت که سنت‌ها و رسوم، آنگاه پذیرفته‌اند که در راستای تحقق اندیشه‌های دین و اخلاق باشند. از نگاه قرآن کریم فرهنگ غلط و متحجرانه عرب، قابل پذیرش نبوده و باید حذف می‌شد. هنجارهای مقبول قرآن کریم در برابر تعصبات قومی و نسبی اعراب صفا‌آرایی نموده و اندیشه‌های منحط آنان را به چالش کشید.

علامه طباطبایی در تفسیر سوره تکاثر نوشته: «و در معنای مقابر گفته شده جمع مقبره است، که - به کسره میم و فتحه آن - به معنای محل قبر است. در قرآن کریم آمده، آنجا که فرموده: «حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» و زیارت مقابر کنایه از مردن است. بنا بر آنچه به کمک سیاق فهمیده می‌شود معنای آیه این است که: تکاثر و مفاخرت شما در داشتن مال و زینت دنیا و مسابقه گذاشتن در جمع عده و عده، شما را از آنچه واجب بود بر شما بازداشت، و آن عبارت بود از ذکر خدا، در نتیجه عمری را به غفلت گذرانید، تا مرگتان فرا رسید. بعضی آیه را چنین معنا کرده‌اند که: مباهات کردن و افتخار نمودن به کثرت نفرت، شما را به خود مشغول نموده، عمری را به این کار لغو گذرانید که این عده بگویند رجال ما بیشتر است، و آن عده دیگر بگویند ما بیشتریم و به این هم اکتفاء نکردید تا آنکه به سر قبر مردگان خود رفته، عدد آنها را به عدد زنده‌هایتان افزودید، و به مردگان بیشتر خود مباهات کردید. «طباطبایی، همان، ج ۲۰، ص ۶۰۰) قرآن کریم با ابطال فرهنگ تفاخر و مباهات به موضوعاتی بی‌اساس همچون اموال و اولاد، مسلمانان را به اندیشه‌های دینی و پرهیزگارانہ دعوت می‌نماید تا دل‌بستگی و تعصب به گذشتگان، از میان مردم رخت بریند.

۵- دنیاپرستی، عامل تفاخر جاهلی

از جمله رذائل اخلاقی رایج در فرهنگ اعراب پیش از اسلام، مبالغه در دنیاپرستی و تمایل به انباشت مادیات بوده است. تمایلات خودخواهانه عرب آنان را به جنگ و خونریزی وا می‌داشت. قرآن کریم در برابر دنیاپرستی کفار، موضع مخالفت اتخاذ نموده و آن را مذموم دانسته است. جدیت قرآن در مقابلہ با چنین فرهنگی شگفانگیز است. «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ تَبَاطُؤُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ» (حدید / ۲۰) علامه طباطبایی، واژه تفاخر را به حسب و نسب وابسته دانسته و مطابق مفهوم آیه آن را موجب سرگرمی و دل‌بستگی به دنیا می‌داند. (طباطبایی، ج ۱۹،

ص ۲۸۸) بنای قرآن کریم در آیه، تأثیرگذاری بر فرهنگ عصر و زمانه‌ای است که دنیاطلبی و دنیاپرستی جزئی از وجود مردمش شده است؛ چرا که این عامل، گرایش به مادیگری را افزایش داده و در نهایت موجب تعصب و حمیت نسبت به داشته‌های دنیوی می‌گردد.

پرهیز از وابستگی به دنیا از توصیه‌های تربیتی قرآن کریم است که مخاطب را از تعلقات مادی رها نموده و به گرایش‌های معنوی و زاهدانه نزدیک می‌نماید. قرآن در توجیه نظریه خود می‌فرماید: « لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ » (حدید / ۲۳) چنین تفکری که منادی آن انبیاء و رسولان الهی بوده‌اند الهام‌بخش رویکردی دین‌مدارانه در مسیر تأثیرگذاری تربیتی قرآن کریم بر فرهنگ عصر نزول است. به نظر می‌رسد قرآن کریم با ایجاد ارتباط میان مفاهیمی همچون حمیت، جهالت، تفاخر و تکاثر، اعراب را در تنگنای زندگی حیوانی محصور نموده و از آنان تصویری سخیف ارائه می‌نماید. تصویری که در آن، از یک سو فضائل انسانی کم‌رنگ و پنهان شده و از سوی دیگر، در نقطه مقابل، انبوهی از خصوصیات ناپسند رفتاری نمایان است. « ظلمت » رساترین نامی است که قرآن برای آن شرایط برگزیده و آنان را معرفی می‌نماید؛ قرآن کریم، نوری در میان آن ظلمات و تاریکی‌های است که تأثیرات تربیتی آن بیش از هر مقوله دیگر به تحول فرد و جامعه کمک نمود.

۶- خودخواهی و تکبر، راهی به جهالت و عصبیت

عامل بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری بشر خودخواهی، تکبر و احساس خودبرتربینی است. قرآن کریم ریشه تکبر و خودبینی را به شیطان و عملکرد نادرستش نسبت می‌دهد. (ص / ۷۵) تکبر و عصبیت، ابلیس را از مقام و منزلت تقرب تنزل داده و موجب نگون‌بختی او شد. نقل داستان ابلیس و مقاومتش در برابر دستور الهی سرشار از حکمت‌های بی‌بدیلی است که راهگشای سعادت بشری است. خداوند در نقل داستان ملائک، ابهامشان در خصوص خلقت آدم و خلیه‌اللهی وی را نشانه جهل و عدم آگاهی آنان اعلام کرده است؛ همین امر موجب شد تا خود را در ستایش الهی، بی‌رقیب دانند: (بقره / ۳۰) همچنانکه امتیاز آدم را دانشی دانسته که به او ارزانی نموده. (بقره / ۳۱-۳۲) در همین داستان ارزشمند، جهالت ابلیس او را به تعصبی می‌کشاند که نهایتش سرنگونی است. گره خوردن جهل با تعصب در آن ماجرا، خواننده را به تفکری عمیق وا می‌دارد که از تأثیرات تربیتی و اخلاقی قرآن کریم نشأت گرفته است. قرآن نه تنها از فرهنگ جهالت و عصبیت عرب عصر نزول تأثیر نپذیرفته، که با طرح موضوعات و داستان‌های پر مغز به قطع ریشه‌های تعصب پرداخته است. بار دیگر با بیانی قرآنی، خودخواهی و نقش آن در بروز تعصب جاهلی را پی می‌گیریم. رقابت خودخواهانه قایل با هابیل، محصول تکبر و خودخواهی اوست. حسادت و خودبرتربینی قایل به قتل برادر منجر شده و تاریخ‌ساز می‌گردد. قرآن کریم از خطا و جنایت قایل با عنوان خسران یاد نموده و آن را تقبیح می‌نماید؛ چرا که ریشه

در جهالت و عصبیت دارد. (مآئده / ۳۰) تباخر نیز حاصل همین نگرش خودخواهانه و متعصبانه است. امام باقر (ع) به دنبال تلاوت آیه « فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ » فرمود: ابلیس به قایل گفت: قربانی تو قبول نشد و قربانی برادرت هابیل قبول شد، اگر او زنده بماند در طول تاریخ نسل او بر نسل تو افتخار خواهند کرد که قربانی پدر ما پذیرفته شد و از پدر شما پذیرفته نشده است، بنابراین بهتر آن است که او را به قتل برسانی تا نسل تو ذلت نکشد. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۷۸) بدین‌گونه تکبر، خودخواهی و غرور انسان را به پافشاری بر تمایلاتش کشانده و موجب تباخر و تعصب می‌گردد که نتیجه آن جنگ و خونریزی و رقابت‌های جاهلانه خواهد بود. خداوند تکبر و خودخواهی را نکوهش و متکبران را سرزنش می‌فرماید: « ان الله لا يحب المتكبرين » (نمل / ۲۲) رویگردانی خداوند از متکبران، برترین هشدار نسبت به عملکرد ناپسندشان است. آنان به جهت اعراضشان از آیات ربانی به حال خود رها شده و دچار غفلت می‌شوند. (اعراف / ۱۴۶) قرآن کریم بارزترین خصوصیت متکبران را پیروی از جهالت و نادانی می‌داند.

دستورالعمل تربیتی قرآن کریم روش‌های کاربردی مقابله با تکبر و خودخواهی را ارائه نموده و مخاطبین خود را به انجام آن توصیه می‌فرماید. فروتنی، تواضع و پرهیز از سرکشی، راهکار تربیتی قرآن کریم در مواجهه با تکبر و خودخواهی است که اجرای آن از سوی پیامبر (ص) آغاز می‌گردد. خداوند به نبی مکرم دستور می‌دهد که در برابر مؤمنان فروتن بوده و بال‌های رحمت خود را بگستراند. «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء / ۲۱۵) آن حضرت نسبت به برقراری اخلاقیات در میان مردم مأمور، و تغییر در کنش‌های رفتاری مخاطبین عصر نزول از وظایف ایشان بوده است. صاحب تفسیر اطیب البیان نوشته: « وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ كناية از تواضع و فروتنی است؛ به عکس رؤسا و امراء و سلاطین که نسبت به اتباع و رعیت و زیر دستان خود بزرگی و تکبر می‌کنند و نخوت می‌ورزند که اگر کوچک‌ترین بی‌احترامی از آنها مشاهده شد او را حبس و شکنجه می‌کنند بلکه به قتل می‌رسانند لکن اخلاق پیامبر به نحوی بود که خدا می‌فرماید: « وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ » (قلم / ۴) و نیز می‌فرماید: « فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَاقْتَضَى الْقَلْبَ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ » (آل عمران / ۱۵۹). در خبر داریم ترویج دین اسلام به سه چیز شد: مال خدیجه، شمشیر علی، خُلق پیغمبر، کسانی که به مال خدیجه ایمان آوردند به طمع مال بودند، کسانی که به شمشیر علی ایمان آوردند از ترس جان بود و کسانی که به خُلق پیغمبر ایمان آوردند از روی حقیقت و درک حقانیت دین اسلام بود و بهترین صفات انسانی حس خلق است و بدترین صفات سوء خُلق. « (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۹۶)

مسلمانان نیز به همین رویه تربیتی توصیه شده‌اند. آنان موظف شدند تا خود را از پلیدی‌های تکبر و خودخواهی رهاکنند و به فضیلت تواضع و فروتنی نزدیک نمایند. « وَ عِبَادُ

الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان / ۶۳) مرحوم علامه طباطبایی در شرح آیه می‌نویسد: «آیه دو صفت از صفات ستوده مؤمنین را ذکر کرده، اول اینکه: "الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا" مؤمنین کسانی هستند که روی زمین با وقار و فروتنی راه می‌روند و هون به طوری که راغب گفته به معنای تذلل و تواضع است. بنابراین، به نظر می‌رسد که مقصود از راه رفتن در زمین نیز کنایه از زندگی کردنشان در بین مردم و معاشرتشان با آنان باشد. پس مؤمنین، هم نسبت به خدای تعالی تواضع و تذلل دارند و هم نسبت به مردم چنینند، چون تواضع آنان مصنوعی نیست، واقعاً در اعماق دل، افتادگی و تواضع دارند و چون چنینند ناگزیر، نه نسبت به خدا استکبار می‌ورزند و نه در زندگی می‌خواهند که بر دیگران استعلاء کنند و بدون حق، دیگران را پائین‌تر از خود بدانند و هرگز برای به دست آوردن عزت موهومی که در دشمنان خدا می‌بینند در برابر آنان خضوع و اظهار ذلت نمی‌کنند. پس خضوع و تذللشان در برابر مؤمنین است نه کفار و دشمنان خدا.» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۳۳۱) قرآن کریم با نهی از خودخواهی و تکبر و توصیه به تواضع و فروتنی، بسترهای ظهور و بروز تربیت اخلاقی را هموار نموده و مسیرهای هنجارپذیری را گشوده است.

نتیجه‌گیری

مبنای تربیتی قرآن کریم، مبارزه با ردائل اخلاقی و رفتار جاهلانه مردمان عصر نزول بوده است. حمیت و عصبیت جاهلی از جمله پلیدترین ویژگی‌های آنان و منشأ بروز بسیاری از بد رفتاری‌های ثانویه می‌باشد که با گزارش‌های تاریخی به ما منعکس گردیده است. قرآن کریم نیز بخش‌هایی از نتایج سوءرفتار اعراب که از حمیت و عصبیت ناشی شده را نقل نموده است. از پرستش ملحدانه تا زنده به گور کردن دختران و قتل و غارت همسایگان، همگی گوشه‌هایی از نتایج رفتار متعصبانه در عصر نزول بوده که تماماً توسط قرآن کریم مردود اعلام شده است. قرآن کریم عصبیت را نماد جهل و نادانی می‌داند و مخاطبین خود را در هر دوره و عصری از فرو رفتن در منجلاب آن برحذر می‌دارد. نگرش و عملکرد جاهلانه و متعصبانه مردمان عصر نزول در دیگر اعصار نیز ادامه یافته و علی‌رغم نهی از آن، به شکل‌های جدیدتر و البته مدرن خودنمایی کرده است. بی‌تردید می‌توان دریافت که مصیبت بشر امروز نیز حاصل عصبیت و جاهلیت است که اخلاق‌گریزی را دامن زده است. عصبیت مدرن در عصر تکنولوژی، بشر را همچنان در ردائلی مانند نژادپرستی، خشونت، جنگ، قتل و غارت نگه داشته. شیوه، شکل و محتوای مقابله خداوند با این ردیلت اخلاقی از اهم مراتب تربیتی قرآن کریم است. قرآن در مبانی تربیتی خود با ارائه راهکارهایی اندیشمندانه و فطرت‌مدارانه به انسان کمک می‌کند تا از ردائل عبور کرده، به فضائل منتسب گردد. پذیرش مطلق حاکمیت ربّانی، نفی حاکمیت قوم‌گرایی، تبعیت از رسول خدا، تکیه بر فضائل فردی، نفی دنیاپرستی و تفاخر جاهلی، ردّ خودخواهی و کبرگرایی، تأکید بر حلم و بردباری از مؤلفه‌های تربیتی قرآن کریم در خصوص موضوع نهی از تعصبت جاهلی است. لذا اخلاق همواره مورد تأکید کلام الله مجید قرار داشته و قرآن با چهره‌پردازی، پیامبر را نمونه کاملی از تربیت دینی معرفی کرده است. بر همین اساس نگاهی به سیره آن حضرت نیز به روشنی نشان می‌دهد که حمیت و عصبیت هیچ جایگاهی در مبانی رفتار دینی نداشته، همواره مذموم و نکوهیده بوده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابراهیم، محمد ابوالفضل، ۲۰۱۴م، ایام العرب فی الاسلام، چاپ سوم، بیروت، لبنان، المكتبة الوقفیه.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۴ق، مقدمة ابن خلدون، بیروت، مؤسسه الكتاب الثقافی.
۵. ابن عاشور، محمداطاهر، ۱۴۲۰ق، تفسیر التحریر و التنویر، چاپ اول، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۷۶ش، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه.
۷. ابن هشام، عبدالملک، ۱۳۵۵ق، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی السقاء، قاهره، مطبعه مصطفى البانی الحلبی.
۸. امین، احمد، ۱۹۶۴م، فجر الاسلام، قاهره، النهضه المصریه.
۹. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۶۷، فتوح البلدان، مترجم: محمد توکل، چاپ اول، تهران، ایران، نشر نقره.
۱۰. بهشتی، سید محمد حسین، ۱۳۷۲، محیط پیدایش اسلام، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. حسن ابراهیم حسن، ۱۴۲۲ق، تاریخ الاسلام، چاپ پانزدهم، بیروت، لبنان، مكتبه النهضه.
۱۲. خلیل حتی، فیلیپ، ۱۳۶۶، تاریخ عرب، مترجم: ابوالقاسم پاینده، چاپ اول، تهران، نشر آگاه.
۱۳. خواص، امیر، ۱۳۸۵، فلسفه اخلاق، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت، دار الكتاب العربی.
۱۵. سید قطب، ۱۴۲۵ق، فی ظلال القرآن، بیروت، مؤسسه دارالشروق.
۱۶. شریف، احمد ابراهیم، ۱۹۶۸م، مکه و مدینه فی الجاهلیه و عهدالرسول، قاهره، دارالفکرالعربی.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۳، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، ۱۴۰۶ق، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۰. طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی.
۲۱. علی، جواد، ۱۹۷۲م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، چاپ اول، بغداد، دارالعلم للملایین.
۲۲. قاسمی، جمال‌الدین، ۱۴۱۸ق، تفسیر محاسن التأویل، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۳. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر قمی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب.
۲۵. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، بی تا، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

۲۶. کلبی، هشام بن محمد، ۱۳۴۸، الاصنام، ترجمه: سید محمد رضا جلالی نایینی، چاپ اول، تهران، نشر تابان.
۲۷. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. لوبون، گوستاو، ۱۳۷۸، تاریخ تمدن اسلام و عرب، مترجم: سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ اول، تهران، انتشارات پیک ایران.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۰، فلسفه اخلاق، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۳۰. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۸، مروج الذهب، ترجمه و تحقیق: ابوالقاسم پاینده، چاپ هشتم، تهران، دفتر انتشارات علمی فرهنگی.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، مجموعه آثار، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات صدرا.
۳۲. مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۸ ش، تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، چاپ اول، قم، نشر بوستان کتاب.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. -----، ۱۳۸۵، اخلاق در قرآن، چاپ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۳۵. -----، ۱۳۷۸، پیام قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب.
۳۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ یعقوبی، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، چاپ سوم، تهران، بنگاه نشر کتاب

مقالات:

۳۷. آجرلویی، محمود، ۱۳۹۶، جاهلیت مدرن، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۴۳.
۳۸. جانزاده، حسین، ۱۳۹۴، مردمان عربستان قبل و بعد اسلام، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۶.
۳۹. سارلی، زبیده، ۱۳۹۶، جاهلیت در مقابل عقلانیت و خردورزی، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۲۵.
۴۰. شعبان پور، محمد، ۱۳۹۲، راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، شماره ۱۵.
۴۱. -----، ۱۳۹۴، مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۹.
۴۲. عبداللهی، محمد اسماعیل، ۱۳۹۶، برخورد قرآن و سنت با جاهلیت عصر نزول، مجله قرآنی کوثر، شماره ۶۰.

